

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۳، ویژه علوم سیاسی

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش حزب الله لبنان

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱۵ تاریخ تأیید: ۹۳/۹/۲۲

سکینه گرمادشتی*

چکیده

یکی از کشورهایی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تأثیر زیادی از پیروزی انقلاب اسلامی برده است کشور لبنان است. یکی از مهم‌ترین جنبش‌های اسلامی در این کشور، جنبش حزب الله لبنان است، که از موفق‌ترین جنبش‌های اسلامی بوده که با تأثیر مستقیم از انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت. تأثیر انقلاب اسلامی، در این کشور نمود بسیار روشنی دارد که در روابط بین‌المللی ایران و حزب الله لبنان به خوبی خود را نشان می‌دهد. از جمله پذیرفتن ولایت فقیه و رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام، رهبری روحانیت در مبارزات و در واقع پیوستگی عمیق مردم و روحانیت که نمایندگان شریعت اسلامی هستند. در این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش هستیم که چه زمینه‌هایی باعث تشدید این تأثیرپذیری شد؟ در پاسخ به این سؤال زمینه‌های تأثیرپذیری جنبش حزب الله را در عرصه مذهبی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی بررسی می‌کنیم. همچنین شاخص‌های این تأثیر را بیان می‌کنیم. ضمن اینکه در آغاز، اشاره‌ای کوتاه به شکل‌گیری حزب الله می‌کنیم.

واژه‌های کلیدی: بازتاب، انقلاب اسلامی ایران، لبنان، حزب‌الله

* کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

مقدمه

بین ایرانیان و لبنانی‌ها، علقه‌های فراوانی چون پیوندهای تاریخی علما و مردم جبل عامل با ایران در دوران صفویه، فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی روحانی بلند آوازه ایرانی، امام موسی صدر به عنوان رهبر شیعیان لبنان، تشکیلات برجای مانده از او یعنی جنبش امل، حضور شیعیان بسیار در لبنان، کمک‌های انسان دوستانه جمهوری اسلامی ایران به محرومان لبنانی، مهاجرت و سکونت دائم تعدادی از اتباع لبنان در ایران و... وجود دارد. این پیوندها باعث شده است که انقلاب اسلامی ایران بیش از هر جا در لبنان مؤثر باشد. در لبنان، حزب الله بیش از هر گروه سیاسی اسلامی دیگر، تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار دارد. علاوه بر زمینه‌های مشترک موجود بین ایران و لبنان، انگیزه‌های دیگری موجب چنین تأثیر شگرف شده است. این انگیزه‌ها را می‌توان در پذیرش رهبری انقلاب اسلامی به عنوان رهبر دینی و سیاسی از سوی حزب الله و کمک‌های تسلیحاتی و مالی ایران به حزب الله خلاصه کرد. انقلاب اسلامی و اعضای حزب الله لبنان بر اساس شعار اسلامی امام خمینی علیه السلام، (اسرائیل باید از بین برود)، قسم یاد کرده‌اند که جنگ با اسرائیل را تا آخرین لحظه ادامه دهند.

نگاهی اجمالی به لبنان

«لبنان» کشور کوچکی در خاورمیانه، در غرب آسیا و ساحل شرقی دریای مدیترانه است که از شمال و شرق، به سوریه و از جنوب، به فلسطین اشغالی محدود شده است (طلوعی، ۱۳۷۲، ص ۷۴۸). لبنان در وضعیت مناسبی برای ارتباطات اقتصادی، تجاری و فرهنگی بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است. وجود پناه‌جویان فلسطینی و همجواری این کشور

با اسرائیل موجب تهاجمات این رژیم علیه لبنان و بی‌ثباتی در این کشور گردیده و این دو عامل همواره چالش‌های زیادی را در مقابل دولت‌های این کشور قرار داده است. طوایف گوناگون در لبنان، که به صورت دو جریان عمده مسیحی و مسلمان می‌باشند، باعث تضادهای زیادی در این کشور گردیده‌اند. ویژگی کوهستانی بودن آن و طبیعت ساکنان آن همواره باعث گردیده که لبنان پناهگاه مناسبی برای اقلیت‌های مذهبی محروم سرزمین‌های همسایه باشد (معینی آرانی، ۱۳۷۲، ص ۸۳).

برای بررسی ساختار مذهبی و سیاسی حکومت در لبنان، ابتدا باید ترکیب طایفه‌ای لبنان مورد بررسی قرار گیرد. طایفه‌گرایی نشانگر ساختار جامعه لبنان است. ساختار سنتی قدرت سیاسی در لبنان براساس توازن طایفه‌ای استوار می‌باشد که مجموعه‌ای از طوایف گوناگون، ساختار سیاسی لبنان را شکل داده‌اند. لبنان دارای تعدد مذاهب و دارای ۱۷ فرقه دینی به رسمیت شناخته شده می‌باشد: ۱۱ فرقه مسیحی (مارونی، ارتدوکس، کاتولیک، ارمنی‌های ارتدوکس، ارمنی‌های کاتولیک، پروتستان‌ها، سریانی‌های ارتدوکس، سریانی‌های کاتولیک، لاتین‌ها، کلدانی‌ها و نستوری‌ها)، پنج فرقه اسلامی (شیعیان، سنیان، دروزیان، علویان و اسماعیلیان) و یک فرقه یهودی، که جزء کم‌اهمیت‌ترین فرقه‌هاست (علیزاده، ۱۳۶۸، ص ۱۳).

طبق قانون اساسی لبنان، رئیس‌جمهور از میان مارونی‌ها، نخست‌وزیر از میان سنی‌ها و رئیس‌مجلس از میان شیعه‌ها و تعدادی از وزرای کابینه نیز از میان سایر فرقه‌های مهم مانند ارتدوکس‌ها و کاتولیک‌های یونانی و دروزی‌ها باید برگزیده شوند.

با توجه به عدم استقرار کامل نهادهای سیاسی، نقش احزاب در لبنان، همواره تعیین‌کننده بوده است. پس از توافق طائف و با افزایش نسبی قدرت سوریه در صحنه داخلی این کشور، نقش احزاب در این کشور کاهش یافت؛ اما پس از ترور رفیق حریری، این نقش دوباره تقویت شده است.

جنبش حزب الله

«حزب الله» لبنان پس از حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ و در پی وخامت اوضاع، توسط برخی از شیعیان لبنان از جمله شیخ صبحی طفیلی، سیدحسین موسوی و برادر او سیدعباس موسوی، ابراهیم امین و حسن نصرالله به وجود آمد. انقلاب اسلامی ایران الهام بخش مهمی در پیدایش این جنبش بود (کدیور، ۱۳۷۹، ص ۱۱۶). تمام این افراد در دو نکته با یکدیگر اتفاق نظر داشتند:

۱. اعتقاد به ولایت فقیه و پیروی از رهبر انقلاب اسلامی ایران؛

۲. مقابله با اسرائیل؛

اینان دریافته بودند که گروه‌های موجود در لبنان نمی‌توانند برای لبنان کاری انجام دهند. آنان با بهره‌گیری از تجارب و موفقیت‌های انقلاب اسلامی ایران، درصدد ایجاد تشکیلاتی جدید برای تحقق بخشیدن به نظریه‌های اسلامی و اهداف موردنظر خود بودند. این عوامل موجب گردید تا این نیروهای متفرق تحت سرپرستی و نظارت ایران، در یک تشکیلات واحد و جدید ادغام شوند. دولت ایران از طریق سفیر خود در دمشق (علی اکبر محتشمی) و سپاه پاسداران (مستقر در بعلبک) زمینه را برای گردهمایی و مذاکره کادرهای این مجموعه‌های اسلام‌گرا فراهم نمود. پس از مذاکرات اولیه، یک کمیته ۹ نفره مأموریت یافت تا برای جریان‌های اسلامی متفرق، یک تشکیلات سیاسی جدید براساس پایبندی به ولایت فقیه و نبرد با اسرائیل پی‌ریزی کند. مجموعه این گروه‌ها که به عنوان «شورای لبنان» شناخته می‌شد، در مه ۱۹۸۴ به نام «حزب الله انقلاب اسلامی لبنان» تغییر نام داد (اسداللهی، ۱۳۷۹، ص ۵۷-۵۸).

حزب الله در واقع بازوی سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در لبنان به شمار می‌آید، این مطلب از نامه سرگشاده حزب الله معروف به «مانیفست حزب الله» که در سال ۱۹۸۵ به طور رسمی انتشار یافت و همچنین اذعان داشتن رهبران این جنبش بر این مساله به دست می‌آید. در نامه سرگشاده حزب الله آمده است: «تعهد خود را نسبت به دستورات رهبری یگانه، حکیمانه و عادلانه ولی فقیه جامع الشرایط که در حال حاضر در شخص امام آیه‌الله العظمی روح‌الله موسوی خمینی علیه السلام تجلی یافته است، اعلام می‌داریم وی برانگیزاننده انقلاب مسلمانان و نهضت باعظمت آنان می‌باشد» (همان، ص ۱۹۲-۱۹۳).

انقلاب اسلامی و صحنه سیاسی لبنان

بازتاب انقلاب اسلامی ایران در لبنان، غنی‌ترین و حساس‌ترین قسمت از تأثیرات جهانی و منطقه‌ای انقلاب ایران است. محمل تأثیر انقلاب اسلامی در لبنان به طور طبیعی شیعیان این کشورند. در زمان وقوع پیروزی انقلاب، سازمان امل، مهم‌ترین حزب شیعیان در عرصه سیاسی لبنان بود. انقلاب اسلامی در جریان امل نقشی دوگانه ایفا کرد. طبیعتاً پیروزی انقلاب اسلامی ایران برای جنبش امل برانگیزاننده بود. چنان که ریچارد نورتون می‌نویسد که سقوط شاه ثابت کرد که حکومتی نا مشروع را نباید تحمل کرد (اسپوزیتو، ۱۳۸۸، ص ۱۳۰).

جنبش امل به مثابه جنبش شیعی موفق، از جریان پرشور فراهم شده از طریق انقلاب سود برد. به هر حال این جنبش که جنبشی میانه‌رو و محافظه‌کار به حساب می‌آمد، نمی‌توانست حامل اندیشه‌های ایدئولوژیک و پرشور انقلاب اسلامی باشد، از این رو به سرعت دچار انشقاق و ریزش نیرو گردید. هنگامی که نبیه بری، رهبر جنبش امل، همزمان با اشغال لبنان توسط اسرائیل (۱۹۸۲)، در گردهمایی کمیته نجات ملی که به دعوت الیاس سرکیس، رئیس جمهور وقت لبنان شرکت کرد، سید ابراهیم امین مسئول دفتر جنبش امل در تهران، با

برگزاری کنفرانس مطبوعاتی به کمیته نجات ملی و شرکت کنندگان در آن حمله کرد و آن را کمیته‌ای آمریکایی نامید. سیدحسین موسوی، جانشین رهبر جنبش امل نیز در این زمان به سوی منطقه بقاع به حرکت در آمد و تأسیس جنبش امل اسلامی را در آنجا اعلام کرد که بعدها به حزب الله پیوست (نهاد حشیشو، ۱۳۸۰، ص ۴۴). در این میان مهم‌ترین جنبش، جنبش حزب الله که تبلور عینی انقلاب اسلامی در لبنان به شمار می‌آید. در حالی که رهبران جنبش امل، علاقه چندانی به گفتمان و ایدئولوژی اسلام‌گرایی با قرائت انقلاب اسلامی لبنان نشان نمی‌دادند، جنبش حزب الله که متشکل از اسلام‌گرایان مبارز بود، به پرشورترین و مطمئن‌ترین حامل این گفتمان تبدیل شد. حزب الله هنگام تأسیس، در بیانیه‌ای با عنوان «ما که هستیم و هویت ما چیست؟» به بروز این شاخصه پرداخته و می‌نویسد: ما فرزندان حزب الله هستیم که خداوند طلعه آن را در ایران به پیروزی رساند تا دوباره هسته اولیه دولت اسلامی را در جهان بر پا کند... ما در لبنان یک حزب تشکیلاتی بسته با چارچوب سیاسی گنگ نیستیم، بلکه امتی هستیم که از طریق کمر بند اعتقادی و سیاسی نیرومندی به نام اسلام، به مسلمانان سراسر جهان وابسته ایم» (همان، ص ۴۷).

خصیصه مشترک دوم انقلاب اسلامی و حزب الله، احیای است که سیدابراهیم الامین، سخنگوی حزب الله در دهه هشتاد میلادی، آن را چنین معنا می‌کند: «صدور انقلاب، به معنای تسلط نظام ایران بر ملت‌های منطقه خاورمیانه نیست، بلکه به معنای تجدید حیات اسلامی منطقه است تا آنچه بر این ملت‌ها مسلط می‌شود، اسلام باشد» (اسداللهی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۲).

ویژگی مشترک سوم عدم تأکید بر گرایش‌های فرقه‌ای است. با توجه به تأکید حزب الله بر بنیادها و عناصر شیعی، هیچ‌گونه تمایلات فرقه‌گرایانه در اهداف آن به چشم نمی‌آید، بلکه بیشتر بر امت جهانی اسلام تأکید دارد. ویژگی مشترک دیگر اجرای شریعت اسلامی است.

حزب الله در بیانیه تأسیس خود می‌گوید: «فرهنگ ما بر منابع قرآن، سنت و سیره معصومان و احکام و فتاوی صادره از سوی فقیه مرجع تقلید ما استوار است» (حشیشو، ۱۳۸۸، ص ۴۷).

پای فشاری بر عدم جدایی دین از سیاست، خصیصه مشترک دیگر است. سیدحسن نصرالله در این باره و الگوگیری از ایران چنین می‌گوید: «اسلام برای ما دین مسجد و مدرسه و خیابان و دولت و نهادهای آن است. دین قادر به برپایی انقلاب و اقامه دولت است... همان گونه که در ایران ثابت شد که اسلام قادر است، در مشکل‌ترین شرایط و بدترین تهدیدها، انقلاب بر پا و دولت اقامه کند» (اسداللهی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۶).

دیگر باور مشترک اعتقاد به ولایت فقیه است. حزب الله همواره بر پابندی نظری و عملی به ولایت فقیه و رهبری مجتهد آگاه پای فشرده است، که ممیزه اصلی این جنبش، از دیگر جنبش‌های اسلامی منطقه‌ای نیز محسوب می‌گردد. دیدگاه حزب الله در این باره چنین است که در خصوص ولایت امر، ما خود را به ولایت مرجعیت رشیدی پایبند می‌دانیم. ولایت در فقیه جامع الشرایطی که عدالت، اعلییت، کفایت، آگاهی به مسائل روز، مدیریت، تقوی و سایر صفات لازم در او تجلی یافته است.

حزب الله بر الگوگیری و پیوستگی با امام خمینی علیه السلام تأکید فراوان دارد. سیدحسن نصرالله می‌گوید: «از نظر ما امام خمینی مرجع دینی، امام و رهبر به تمام معنای کلمه است. ایشان نماد و سمبل انقلاب علیه طاغوت‌ها، مستکبران و نظام‌های استبدادی است». سیدابراهیم الامین نیز می‌گوید: «ما در روند تصمیم‌گیری سیاسی تنها بر فقیه تکیه داریم. ما از فرامین امام پیروی کرده، به جغرافیا اعتقادی نداریم» (همان، ص ۱۷۵). در بعد دیگر از این قضیه و مشابهت میان انقلاب اسلامی و حزب الله، باید به محوریت روحانیت در عمل سیاسی توجه کرد. جایگاه ویژه روحانیون در حزب الله به نفوذ روزافزون این حزب در میان شیعیان لبنان انجامید. این در حالی است که اساساً بخش زیادی از نفوذ روحانیون شیعه در لبنان از تأثیراتی

است که شیعیان لبنان از انقلاب اسلامی ایران پذیرا شدند. ارتباط میان ولی فقیه و پیروان لبنانی وی و پوشش اعمال و مواضع حزب الله ضمن حفاظت وصیانت از ماهیت اسلامی آن مشهود است.

جریانات اسلامی شیعی از بعد دیگری نیز از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفته‌اند و آن بهره‌گیری کامل از نمادهای اسلامی است؛ نمادهایی چون عاشورا، شهادت، امام حسین علیه السلام، ظهور حضرت مهدی (عج) و مساجد. از دیدگاه حزب الله، انقلاب ایران ایرانی نبود، بلکه مقدمه‌ای برای ظهور امام زمان (عج) بود.

نکته مهم دیگر در زمینه تأثیرپذیری، تأثیر منطقی تحولات و تطورات انقلاب اسلامی بر حزب الله لبنان است. در این باره باید گفت که اگر چه تحولات حزب الله عمدتاً درون‌زا است و همان شرایطی که تطورات انقلاب اسلامی را رقم می‌زند، درباره حزب الله نیز صادق است؛ اما نمی‌توان از سهم بالای تحولات انقلاب اسلامی بر حزب الله لبنان فروکاست. حزب الله لبنان در خلال دهه ۶۰ شمسی و ۸۰ میلادی، متأثر از فضای داخلی لبنان و سیاست‌های ایران، رویکردی کاملاً مبارزه‌جویانه و انقلابی داشت. اما در اواخر دهه ۸۰ میلادی با قبول قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران و پایان جنگ عراق، و رحلت حضرت امام فضای جدیدی حاکم گشت. مجموعه تحولات ایران و اوضاع جهانی و داخلی لبنان، حزب الله را به سمت واقع‌گرایی سوق داد که آثاری بر جای گذاشت. حزب الله که در آغاز با پیمان طائف به شدت مخالفت ورزیده بود، به تدریج از روند مخالفت خود کاست و به همکاری با نظام سیاسی حاصل از پیمان طائف و نخست وزیر آن رفیق حریری پرداخت (همان، ص ۱۹۶). در همین راستا، راهبرد سیاسی را در کنار راهبرد نظامی در دستور کار خود قرار داد که نتیجه آن اصلاح در کادر رهبری و اخراج شیخ صبحی طفیلی از شورای رهبری حزب بود که همچنان بر مواضع رادیکال پای می‌فشرد (همان، ص ۱۹۹).

همچنین به آزادی گروگان‌های خارجی کمک کرد که همراه با شناسایی و به رسمیت شناخته شدن حزب الله از سوی دولت و حفظ سلاح در جنوب بود. بدین ترتیب حزب الله به مشارکت در نظام سیاسی لبنان پرداخت.

تأثیر دیگر تغییر سیاست در ایران آن بود که حزب الله نیز همزمان با ایران، سیاست درهای باز را به اجرا گذاشت. چنان که به ایجاد رابطه با اهل سنت، مسیحیان و دروزی‌ها مبادرت ورزید و به مذاکره با احزاب سیاسی مختلف لبنان پرداخت. آن گونه که تجمع از احزاب لبنانی را نیز سامان داد (همان، ص ۲۳۴). سیدحسین نصرالله نیز پس از اخراج اسرائیل از جنوب لبنان، آن را پیروزی همگان برشمرد و تمام مردم لبنان را در آن شریک دانست.

در بحث نگاه به غرب، حزب الله که در ابتدا به دنبال اخراج نیروهای غربی و مقابله با آنان، حتی در قالب خبرنگار و... بود، در دور جدید به تعدیل این مواضع پرداخت و بیشتر در پی تقابل فرهنگی با غرب برآمد و به اصلاح رابطه خود با خبرنگاران غربی پرداخت. به ایجاد پایگاه‌های اینترنتی پیشرفته همت گماشت و رابطه‌اش را با کشورهای غربی بهبود بخشید. همچنین در حالی که در سال‌های پیش به کشورهای عربی می‌تاخت، به بهبود رابطه خود با آنان پرداخت.

زمینه‌های اثرپذیری حزب الله لبنان

در میان شیعیان لبنان به ویژه حزب الله لبنان، زمینه‌ها و ویژگی‌هایی وجود داشته که آن را مساعد و مستعد تأثیرپذیری از آرمان‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران کرده است که عبارتند از: زمینه‌های مذهبی، زمینه‌های فرهنگی، زمینه‌های سیاسی، زمینه‌های اقتصادی و زمینه‌های نظامی. در میان موارد مذکور، زمینه‌های مذهبی و فرهنگی از نوع بخش سرایتی یا واگیردار است که طبق آن نزدیکی‌ها و اشتراکات مذهبی و

فرهنگی میان جوامع مبدأ و مقصد در اشاعه و پخش ایده‌ها اصول و اعتقادات نقش مهمی دارند.

الف. زمینه مذهبی

یکی از کارکردهای مذهب آن است که سرعت اشاعه و پخش رفتارها و اندیشه‌ها را در میان هم‌مذهبیون شتاب غیرقابل‌تصور می‌بخشد. بنابراین طبق این اصل، اشتراک مذهبی ایرانیان با حزب الله لبنان، نقش مهمی در اثرپذیری از ایده‌ها و اصول انقلاب و نظام جمهوری اسلامی داشته است. حزب الله لبنان با جمهوری اسلامی ایران اشتراک عقیدتی و مذهبی دارد. به لحاظ تاریخی ارتباط بین شیعیان ایران و لبنان به زمان سلسله صفویه باز می‌گردد که پادشاهان آن، از علمای شیعه جبل عامل طلب راهنمایی کردند. در پس این دعوت تعدادی از علمای شیعه جبل عامل به ایران سفر کرده، به آموزش مذهبی مشغول شدند در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی ایران، روحانیون جوان زیادی در نجف تحصیل کرده‌اند، که این افراد در آنجا با اندیشه‌های امام خمینی آشنا و بعدها در لبنان از مروجان اندیشه‌های ایشان شدند. افرادی نظیر ابراهیم حسن، عباس موسوی، سیدحسن نصرالله، صبحی طفیلی، شهید راغب حزب و... در نجف تحصیل می‌کردند و بعدها از رهبران شاخص حزب الله شدند (اسپوزیتو، ۱۳۸۸، ص ۱۰۴).

پس از انقلاب و با استقرار حکومت جمهوری اسلامی در ایران به تدریج طلاب لبنانی در ایران افزایش یافتند. این روحانیون انتقال دهنده مذهب شیعی انقلابی به شیعیان لبنان شدند (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۶۴). در واقع علاقه و نزدیکی مستحکمی بین جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان از لحاظ ایدئولوژیکی و تاریخی وجود داشته است. هم‌مذهب بودن هم عامل

اشاعه دهنده و هم عامل شتاب دهنده در بخش ایده‌ها، اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در میان حزب الله لبنان بوده است.

ب. زمینه فرهنگی

شیعیان لبنان قرن‌هاست که با مردم ایران پیوندی عمیق و ارتباطی اساسی و ریشه‌ای دارند. ۵ یا ۶ قرن قبل، عده‌ای از ایرانیان که تاجر و بازرگان بودند در بعلبک مقیم شدند و به کار تجارت پرداختند. رابطه تجاری و بازرگانی میان ایران و لبنان سال‌ها ادامه یافت و ایرانیان و شیعیان با یکدیگر در ارتباط بودند. این آمیختگی فرهنگی سال‌های سال میان ایرانیان و شیعیان لبنان ادامه یافته است. پس از دولت صفویه میان علمای شیعه ایران و لبنان و همچنین میان مردم این دو سرزمین رابطه فرهنگی پایداری وجود داشته است. اشتراکات و تشابهات مذهبی، سبک زندگی و شیوه رفتاری این ارتباطات را بیشتر می‌کرده است.

قبل از انقلاب اسلامی، ایرانیون و انقلابیون زیادی در لبنان حضور داشتند و در محیط آزاد آن به فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی می‌پرداختند. مهم‌ترین این افراد عبارتند از: امام موسی صدر، دکتر مصطفی چمران، شهید محمد منتظری، سید احمد خمینی، صادق طباطبایی، جلال‌الدین فارسی و... حضور این افراد و فعالیت‌های آنان در میان شیعیان لبنان، آنان را بیشتر با فرهنگ ایرانی و افکار و اندیشه‌های انقلاب ایرانی آشنا کرد. همچنین باید ذکر کرد که قرابت‌های فرهنگی موجود میان ایرانیان و شیعیان لبنان بود که منجر به تمایل ایرانیان برای حضور در لبنان و همچنین پذیرش شخصیت‌های ایرانی در میان شیعیان لبنان شده بود.

ج. زمینه‌های سیاسی

عوامل سیاسی متعددی زمینه تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی را فراهم کرده بودند که عبارتند از:

۱. نظام طایفه‌ای لبنان

در طول تاریخ لبنان، شیعیان همواره مورد ظلم و ستم واقع شده بودند. در دوران بنی‌امیه، بنی‌عباس و سلطه عثمانی‌ها و همچنین سلطه فرانسه بر لبنان و در نهایت در نظام طایفه‌ای لبنان به شیعیان ظلم می‌شده است. علاوه بر ظلم و ستم‌های طایفه‌ای به شیعیان لبنان پس از جنگ جهانی دوم طایفه‌های مذهبی مختلف از سوی قدرت‌های خارجی حمایت می‌شده‌اند. در این میان فقط شیعیان لبنان بودند که هیچ‌گونه حامی خارجی نداشتند. پس از جنگ جهانی دوم، سنی‌ها از سوی کشورهای عرب و مسیحیان مارونی از سوی غرب حمایت می‌شدند. این امر سب شده بود که شیعیان لبنان خواهان کسب حمایت شیعی باشند، بنابراین پس از پیروزی انقلاب اسلامی نگاه شیعیان لبنان متوجه انقلاب اسلامی ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران شد.

۲. مسئله فلسطین

پس از فاجعه سال ۱۹۴۸ و تشکیل رژیم صهیونیستی، صدها هزار فلسطینی آواره شدند و به سرزمین‌های مجاور و همسایه مهاجرت کردند جنوب لبنان که عمدتاً محل سکونت شیعیان است، محلی برای سکونت مهاجران فلسطینی شد. بنابراین شیعیان از نزدیک با درد و رنج‌های مسلمانان فلسطینی آشنا شدند و نفرت آنان از دولت صهیونیستی دوچندان شد. همچنین حملات مکرر صهیونیست‌ها به فلسطینی‌هایی که در جنوب لبنان مستقر بودند که در نتیجه آن علاوه بر فلسطینی‌ها بسیاری از شیعیان جنوب لبنان نیز به شهادت می‌رسیدند و تنفر و دشمنی شیعیان لبنان را با صهیونیست‌ها افزون‌تر می‌ساخت. این موارد باعث شده بود که در میان شیعیان لبنان، به ویژه حزب الله، همچون فلسطینی‌ها زمینه مناسبی برای تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران که مبارزه با صهیونیست‌ها و دفاع از آزادی قدس، از شعارها و اصول محوری آن بود فراهم شود.

۳. سکولاریزه شدن جنبش امل، پس از ناپدید شدن امام موسی صدر

در سال ۱۹۸۰ نیبه بری مسئولیت جنبش امل را عهده‌دار شد. سکولاریزه کردن رویکرد متدوالی بود که نیبه بری در ارتباط با منافع در حال گسترش شیعه در چارچوب لبنان اتخاذ کرده بود و این سیاست مورد قبول اعضای مذهبی جنبش امل نبود. از جمله این سیاست‌ها حضور وی در کمیته نجات ملی بود که بشیر جمیل در آن حضور داشت. عناصر مذهبی امل این کمیته را آمریکایی می‌نامیدند و به نیبه بری توصیه کرده بودند در آن شرکت نکند. اعضای مذهبی امل، شرکت نیبه بری در کمیته نجات ملی را انحراف از خط سیاسی - اسلامی امام موسی صدر می‌دانستند.

اعضای مذهبی جنبش امل پس از شرکت نیبه بری در هیأت نجات از رهبر جمهوری اسلامی ایران مشورت خواستند که پاسخ ایشان این بود: «انقلاب اسلامی مشارکت در هیئت نجات را رد می‌کند» (وضاح، ۱۹۹۸، ص ۱۹۷).

بنابراین، سیاست‌های غیرمذهبی نیبه بری اعضای مذهبی جنبش امل و جامعه شیعه لبنان را مأیوس کرده، سبب شد آنها مسیر دیگری را برای فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی خود برگزینند. در نتیجه سیاست‌های غیر مذهبی نیبه بری و جنبش امل، زمینه را برای تأثیرگذاری انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران که خواهان مشارکت فعالانه اسلام و مذهب در سیاست بود، هر چه بیشتر مهیا و آماده کرد و باعث شد اعضای مذهبی جنبش امل که به شدت تحت تأثیر آموزه‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بودند، به یکی از هسته‌های اصلی تشکیل دهنده حزب الله تبدیل شوند.

د. زمینه‌های اقتصادی

در طول تاریخ لبنان، جامعه شیعه محروم‌ترین و مستضعف‌ترین طایفه بوده است. پس از اعلام استقلال لبنان در سال ۱۹۴۶ و حاکمیت نظام طایفه‌ای، وضع شیعیان بسیار وخیم و ناراحت کننده است. آنان شهروندان درجه سوم پس از مسیحیان و اهل تسنن، به حساب می‌آمدند. همه کارهای کم درآمد و پست به عهده شیعیان بود (چمران، ۱۳۶۹، ص ۳۳).

پس از استقلال لبنان، منطقه جبل عامل به دلیل ضعف و عقب ماندگی به «الجنوب» شهرت داشت. بیماری، بی‌سوادی، فقر و تشنگی سهم این منطقه بود که عمدتاً شیعیان در آن سکونت دارند (جوزوف، ۱۳۶۸، ص ۲۶۶).

به تدریج با گذشت زمان و افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی شیعیان در کنار کمبودها و ضعف‌های اقتصادی و همچنین آگاهی از زندگی مرفه و غربی هم‌تایان مسیحی و سنی آنها، توقعات و انتظارات آنان را افزایش داده و آنان را مستعد پذیرش افکار و اندیشه‌های عدالت طلبانه و مساوات طلبانه کرده بود.

ه. زمینه‌های نظامی

لبنان پس از استقلال به دلیل ساخت طایفه‌ای آن، ناعادلانه بودن تصمیم قدرت و همچنین مجاورت در کنار مرزهای رژیم غاصب صهیونیست، همواره در معرض دوگونه تهدید امنیتی بود که عبارتند از:

۱. تجاوزهای مکرر صهیونیست‌ها به خاک لبنان: پس از تشکیل دولت غاصب صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، همواره لبنان به دلیل حضور آوارگان فلسطینی، مورد هجوم صهیونیست‌ها بوده است.

۲. جنگ داخلی لبنان، در سال ۱۹۷۵ نظامیان مسیحی با فلسطینی‌هایی که در لبنان حضور داشتند و مورد حمایت مسلمانان بودند، درگیر شدند و جنگ داخلی ۱۵ ساله لبنان آغاز شد.

در واقع جنگ داخلی لبنان و بی‌نظمی‌ها و درهم ریختگی‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن که شیعیان را در تنگنا قرار داده بود، زمینه مناسبی برای آموزه‌های انقلاب اسلامی فراهم کرده بود. در دوران جنگ داخلی لبنان، شیعیان لبنان به احزاب چپ و قومی عرب بی‌اعتماد شده بودند و به دنبال اندیشه‌ای ثبات بخش، آرامش بخش و صلح طلب بودند که در سایه آن زندگی کنند.

اصول، آرمان‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی پاسخ‌گوی این خواسته‌های شیعیان محروم و خسته و زخم دیده از جنگ داخلی بود، بنابراین طبیعی بود که در این شرایط شیعیان به ویژه حزب الله لبنان، پذیرای آموزه‌های آرامش بخش و ثبات بخش انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و رهنمودهای امام خمینی علیه السلام شوند.

بدون تردید مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بر لبنان و شیعیان آن، تاسیس و تشکیل حزب الله بوده است، پس از انقلاب اسلامی، در میان شیعیان لبنان عطش همگانی جهت همراهی و همگامی با انقلاب اسلامی ایجاد شده بود و آنها می‌خواستند از الگوی انقلاب اسلامی در جامعه خود استفاده کنند. اسلام‌گرایان لبنان در چارچوب‌ها و نهادهای موجود خود، چگونگی خیزش و همگامی با مقتضیات مرحله نوین در لبنان و استفاده از تجربه ایران و انفجار نور تازه در آن را میان یکدیگر مورد بررسی و تبادل نظر قرار دارند و به این نتیجه رسیدند که چارچوب‌های تشکیلاتی موجود برای فعالیت آنان، اهداف و آرمان‌های مورد نظر را برآورده نمی‌کند و قابلیت و سازگار درونی لازم را برای اصلاح و ایجاد تغییر و رشد و تکامل ندارد.

در چنین فضایی رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۸۲ به لبنان حمله کرد و زمینه را برای ایجاد تشکیلات جدیدی میان شیعیان مهیا کرد. اولین مقاومت هم در مقابل ارتش صهیونیست‌ها در منطقه خلدّه توسط تعدادی از جوانان مذهبی شیعه که تحت تأثیر ایده‌های انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته بودند صورت گرفت. این افراد خود را یاران خمینی معرفی کرده بودند (فضل الله، ۱۹۹۴، ص ۵۶).

پس از این تهاجم، سه عامل ضرورت مقابله با صهیونیست‌ها، اعتقاد به ولایت فقیه و پیروی از امام خمینی علیه السلام و ضرورت ایجاد تشکیلات جدید باعث شد که گروه‌های متفرق اسلامی نظیر تجمع علمای بقاع، کمیته‌های اسلامی و جنبش امل اسلامی با کمک و راهنمایی‌های علی اکبر محتشمی سفیر وقت جمهوری اسلامی در دمشق، در بعلبک جمع شدند و با تایید و موافقت امام خمینی علیه السلام تشکیلات جدیدی را بوجود آوردند که در سال ۱۹۸۴ حزب الله نام گرفت. اندیشه‌ها و اصول انقلاب اسلامی ایران در دیدگاه‌های رهبران حزب الله و همچنین در مانیفست سیاسی حزب الله - نامه سرگشاده حزب الله در سال ۱۹۸۵ - به وضوح دیده می‌شود.

مسئولان و رهبران حزب الله همواره موفقیت‌های خود را در طول حیات سه دهه‌ای ناشی از برکت و حمایت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران و استفاده از رهنمودهای امام خمینی علیه السلام تأکید ورزیده‌اند. تأثیرپذیری حزب الله لبنان از انقلاب اسلامی ایران به اندازه‌ای زیاد بود که در برخی محافل داخلی لبنان و همچنین در برخی از رسانه‌های جهان، از حزب الله به عنوان یک «حزب ایرانی» یاد می‌شود و همیشه به حزب الله و رهبران آن این اتهام وارد می‌شده که مطیع و آلت دست جمهوری اسلامی ایران و همچنین تامین کننده منافع ملی ایران هستند تا منافع ملی لبنان.

در حالی که در واقع امر این گونه نیست و حزب الله با وجود داشتن اشتراکات بسیار با جمهوری اسلامی ایران استقلال خود را در امور داخلی لبنان حفظ کرده است. رهبران و اعضای حزب الله به تأثیر انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بر صحنه سیاسی لبنان و به خصوص بر شیعیان این کشور اذعان دارند و با افتخار آن از آن یاد می‌کنند. سیدحسن نصرالله در زمینه تأثیر انقلاب اسلامی بر شیعیان می‌گوید:

مهم‌ترین مصادیق تأثیرپذیری حزب الله از آموزه‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

۱. ولایت فقیه و رهبری امام خمینی رحمته الله علیه

مهم‌ترین و اصلی‌ترین حلقه اتصال و ارتباط میان حزب الله لبنان و انقلاب اسلامی ایران پذیرش کامل نظریه ولایت فقیه و رهبری امام خمینی است. از هنگام پیدایش حزب الله تاکنون مفهوم و نقش ولایت فقیه جزء جدایی ناپذیر مبانی فکری و عملی حزب الله بوده است. رزمندگان دلیر حزب الله با بهره‌گیری از عوامل معنوی از جمله ولایت محوری در مقابل دشمن می‌ایستند چرا که در نظر ایشان: «هر گونه مقابله، مبارزه، مقاومت و جهاد بدون ولایت و امامت و اطاعت از رهبری میسر نخواهد بود. سیدابراهیم الامین از رهبران تشکیلات حزب الله در این خصوص چنین بیان می‌دارد: «ما در روند تصمیم‌گیری صرفاً بر فقیه تکیه داریم. فقیه مرز جغرافیایی نمی‌شناسد بلکه این مشروعیت اسلامی است که فقیه آن را معرفی می‌کند. به همین شکل، هیچ فاصله‌ای میان مسلمانان لبنان و مسلمانان ایران وجود ندارد. ما در لبنان خود را جدا از انقلاب اسلامی ایران نمی‌دانیم، به ویژه در مورد بیت المقدس از خدا می‌خواهیم که ما را به عنوان بخشی از ارتش به حساب آورد که امام خمینی تمایل به تشکیل آن، برای آزاد سازی بیت المقدس دارد. ما از فرامین امام پیروی کرده و به جغرافیا اعتقاد نداریم.» (اسداللهی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۷).

بر این اساس مشاهده می‌شود که حزب الله مهم‌ترین ویژگی خود را در پیوند دادن مردم با ولی فقیه می‌داند. ولی فقیه‌ی که نباید ضرورتاً لبنانی باشد زیرا این جغرافیای اسلام است و نه جغرافیای لبنان که مرز و عرصه فعالیت‌های حزب الله را مشخص می‌سازد. سیدحسن نصرالله در خصوص تمکین حزب الله از رهبری امام خمینی علیه السلام می‌گوید: «از نظر ما، امام خمینی، مرجع دینی، امام و رهبر به تمام معنای کلمه می‌باشد. همان گونه که هر رهبر بزرگ دینی در هر کیشی در جهان این گونه هست. اما امام برای ما بیش از این است. ایشان سمبل و نماد انقلاب علیه طاغوت‌ها، مستکبران و نظام‌های استبدادی است. به طوری که موفق شد روح امید را در جان‌های مستضعفان بدمد. ایشان نظریه اراده ملت‌ها در مقابل اراده مستکبران را احیا کرد. بدین ترتیب امام برای ما بیش از یک سمبل دینی مطرح است. نه تنها برای ما، بلکه برای همه مستضعفان جهان».

۲. فرهنگ سیاسی

واژه‌ها و اصطلاحات موجود در فرهنگ سیاسی حزب الله لبنان، اکثراً متأثر و برگرفته از واژه‌ها و اصطلاحاتی است که در انقلاب اسلامی و نظامی جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌شود. یکی از مفاهیم اساسی و محوری در فرهنگ سیاسی حزب الله لبنان، تقسیم جهان برحسب نظر امام خمینی به دو گروه مستکبران و مستضعفان است. این تقسیم دوگانه، محور اصلی اندیشه سیاسی حزب الله است تا آنجا که در سخنرانی‌های همه مسئولان و رهبران حزب الله به آن اشاره می‌شود (سعد غریب، ۱۳۸۴، ص ۳۹).

علاوه بر این عباراتی نظیر «اسرائیل غده سرطانی» «صهیونیسم ستیزی»، «آزادی قدس»، «روز قدس»، «ولایت فقیه» و ... متأثر از فرهنگ انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی و سخنان امام خمینی علیه السلام است.

۳. محوریت روحانیت در عمل سیاسی

از محوریت آغاز تشکیل و حرکت حزب الله، روحانیت نقش بسیار مهمی در آن داشته است. در ایجاد تشکیلات حزب الله روحانیون نظیر سیدعباس موسوی، شیخ صبحی طفیلی، شیخ حسین کورانی، سیدحسن نصرالله، سیدابراهیم امین نقش اساسی ایفا کردند. جایگاه ویژه روحانیون در حزب الله، به نفوذ روزافزون این حزب در میان شیعیان لبنان انجامید و در مقایسه با گروه‌های اسلام‌گرای سنی، نفوذ بسیار گسترده‌ای در میان طایفه مذهبی خود پیدا کرد. علت این تفاوت، به نفوذ و نقش روحانیون شیعه در مذهب شیعه مربوط می‌شود. البته گسترش نفوذ روحانیون شیعه در لبنان، در واقع یکی از تأثیراتی است که شیعیان لبنان از انقلاب اسلامی ایران پذیرا شده‌اند. روحانیون شیعه دو نقش مهم در حزب الله ایفا می‌کنند: اول اینکه، ارتباط میان ولی فقیه و پیروان لبنانی وی را برقرار می‌سازند. دوم اینکه، ضمن حفاظت و صیانت از ماهیت اسلامی حزب الله، توجیهات شرعی برای اعمال و مواضع حزب الله، از جمله مقاومت و مبارزه در برابر اسرائیل را بیان می‌نمایند (اسداللهی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۱).

۴. روش‌های تبلیغاتی

روش‌ها و شیوه‌های تبلیغاتی مورد استفاده حزب الله کاملاً متأثر از شیوه‌های انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران بوده است. در فعالیت‌های حزب الله لبنان و انقلاب اسلامی ایران، مسجد جایگاه ترویج اصول و آموزه‌های اسلامی و همچنین مکانی برای بسیج مردم بود.

حزب الله لبنان در آغاز ارتباط مردم، طریق خطابه و سخنرانی در مساجد با مردم را پیش گرفت. استفاده از مناسبات دینی و سیاسی برای اعلام موجودیت مثل روز عاشورا، روز قدس، در تشییع پیکر شهداء و با برگزاری تظاهرات گسترده مردمی، قدرت پشتوانه مردمی خود را نشان می‌دهد (همان، ص ۱۸۵).

۵. نمادگرایی شیعه

استفاده از نمادهای اسلامی شیعی برای بیان بعضی مفاهیم انقلابی یکی از روش‌هایی است که در انقلاب اسلامی ایران مورد استفاده قرار گرفت. مثلاً برای انتقال موفق پیام جهاد و شهادت از نمادهایی مثل عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام جنگ‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام استفاده می‌شود (همان، صص ۱۸۷-۱۸۸). نمادگرایی حزب الله و استفاده از سمبل‌های مذهب شیعه، باعث می‌گردد که افراد با پیوستن به این حزب، از لبنانی بودن یا عضو یک طایفه محروم بودن در کشوری که به وسیله جنگ میان طوایف و متعدد پاره پاره شده بود، دست بردارند. روحانیون، رهبران و اعضاء و هواداران عادی حزب می‌توانستند که از حدود پیمان‌ها و وابستگی تنگ نظرانه تجاوز کنند و به آرمان بزرگی چنگ بزنند که از حدود و ثغور خانواده، عشیره، طایفه یا دولت فراتر می‌رفت (همان، صص ۱۸۹).

۶. مبارزه حزب الله با رژیم صهیونیستی

پس از تهاجم صهیونیست‌ها به لبنان (۱۹۸۲) منجر به خالی شدن صحنه جنوب لبنان از مقاومت فلسطین شده بود و همچنین به دلیل گرایش جنبش امل از نظامی‌گری به مسایل سیاسی، صحنه مبارزه با صهیونیست‌ها خالی مانده و هیچ گروهی انگیزه کافی جهت مبارزه را نداشت. در چنین شرایط سختی، تنها عاملی که می‌توانست این ضعف و ناامیدی را از مردم به ویژه شیعیان لبنان بزداورد. بروز یک اعتقاد عمیق مذهبی و توجه به خدا بود. انگیزه اساسی این اعتقاد در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام به وجود آمده بود و فقط نیاز به اجابت داشت (میرباقری، ۱۳۸۲، صص ۱۳۴-۱۳۵).

از آن پس مقاومت اسلامی شاخه نظامی حزب الله در خط مقدم نبرد با صهیونیست‌ها بوده است. فرهنگ شهادت و روحیه شهادت طلبانه از تأثیرات مهم انقلاب اسلامی بر مقاومت اسلامی لبنان بوده که در نبرد با صهیونیست‌ها کارایی بسیار بالایی داشته است.

نتیجه‌گیری

لبنان از کشورهای مسلمانی است که سال‌ها تحت سلطه استعمارگران غربی به سربرده است و به همین دلیل مسلمانان در این کشور اسلامی جایگاهی نداشتند. مبارزه مردم لبنان از همان آغاز تجاوز بیگانگان شروع شد. اما تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این مبارزات در سازمان‌دهی عمده‌ای که بیان‌کننده ایدئولوژی آنها باشد، وجود نداشت. پیروزی انقلاب اسلامی ایران باعث شد، تا مردم این سرزمین به خصوص شیعیان آن به مبارزات خود انسجام دهند و بعدها حزب الله لبنان قوی‌تر از دیگر گروه‌ها و مؤثرتر از آنها در مقابل تجاوزات اسرائیل غاصب و در بازسازی لبنان خود را نشان دهد. مهم‌ترین تأثیراتی که جنبش‌های لبنانی از پیروزی انقلاب اسلامی گرفتند را می‌توان در موارد زیر عنوان نمود: قبول نظریه ولایت فقیه و پذیرش رهبری امام خمینی علیه السلام، محوریت روحانیت در عمل سیاسی، استفاده از روش‌های تبلیغی انقلاب اسلامی ایران، همچون استفاده از مساجد به عنوان مراکز اصلی تجمعات حزبی و گروهی، قرار دادن فرهنگ سیاسی مبارزه با استکبار جهانی.

فهرست منابع

۱. اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۸۸)، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۲. اسداللهی، مسعود (۱۳۷۹)، از مقاومت تا پیروزی، تهران: اندیشه سازان نور.
۳. _____ (۱۳۸۲)، جنبش حزب الله لبنان: گذشته و حال، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. جعفریان، رسول (۱۳۸۷)، «گزارشی از حوزه علمیه لبنان و تعامل آن با ایران»، شهروند امروز، شماره ۴۸.
۵. جوزوف، المرت (۱۳۶۸)، تشیع، مقاومت و انقلاب، ترجمه اداره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی، تهران: وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۶. چمران، مصطفی (۱۳۶۹)، لبنان، تهران: بنیاد شهید چمران.
۷. حشیشو، نهاد (۱۳۸۸)، احزاب سیاسی لبنان، ترجمه سید حسین موسوی، تهران، مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۸. سعد غریب، امل (۱۳۸۴)، دین و سیاست در حزب الله، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران: اندیشه سازان نور.
۹. طلوعی، محمد (۱۳۷۲)، فرهنگ جامع سیاسی، تهران: قلم.
۱۰. علیزاده، ه (۱۳۶۸)، فرهنگ سیاسی لبنان، ترجمه محمدرضا گلسترخی و معمایی، تهران: سفیر.
۱۱. فضل الله، حسن (۱۹۹۴)، الخيار الاخر، بیروت: دارالهادی.
۱۲. کدیور، جمیله (۱۳۷۹)، رویارویی انقلاب اسلامی ایران، تهران: اطلاعات.
۱۳. معینی آرانی، مصطفی (۱۳۷۲)، ساختار اجتماعی لبنان و آثار آن، تهران: وزارت امور خارجه.
۱۴. میر باقری، یزدان (۱۳۸۲)، حماسه مقاومت اسلامی در جنوب لبنان، تهران: اندیشه سازان نور.
۱۵. وضاح، شراره (۱۹۹۸)، دوله حزب الله: لبنان، مجتمعا اسلامیا، بیروت: دارالنهار.